



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۱

مصادف با: ۱۳ جمادی الثانی ۱۴۳۳

جلسه: ۱۰۲

موضوع کلی: امتثال حکم

موضوع جزئی: ترتیب بین مراتب امتثال

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در مراتب امتثال بود، عرض کردیم محقق نائینی برای امتثال از دید عقل چهار مرتبه قائل شده‌اند؛ مرتبه امتثال تفصیلی، امتثال علمی اجمالی، امتثال ظنی و امتثال احتمالی. در مورد این مراتب توضیح دادیم و کلام ایشان را نقل کردیم و محقق عراقی اشکالی بر کلام محقق نائینی داشتند که آن را هم بیان کردیم. حال بحث در ترتیب بین مراتب امتثال است؛ یعنی آیا بین این مراتب رابطه طولیت حاکم است یا این مراتب در عرض هم هستند.

ترتیب بین مراتب امتثال:

بنا بر آنچه که محقق نائینی فرموده‌اند ظاهراً رتبه امتثال احتمالی متأخر از رتبه امتثال ظنی است؛ یعنی تا امکان امتثال ظنی باشد نوبت به امتثال احتمالی نمی‌رسد، همچنین تا زمانی که امکان امتثال علمی اجمالی باشد نوبت به امتثال ظنی نمی‌رسد؛ یعنی ایشان ادعا می‌کنند در اینکه دو مرتبه اولی بر دو مرتبه آخری مقدم هستند تردیدی نیست. مرتبه اول و دوم صرف نظر از اینکه بین خود این دو مرتبه چه نسبتی حاکم است بر مرتبه امتثال ظنی و مرتبه امتثال احتمالی مقدم هستند. پس لاشکال فی تقدیم المرتبتین الأولیین علی المرتبتین الآخریین و این تقدم را هم عقل درک می‌کند؛ مثلاً اگر در یک موردی احتمال وجوب بدهد و در موردی اصلاً احتمال وجوب ندهد از نظر عقل عمل به محتمل الوجوب مقدم است بر آن فرضی که محتمل الوجوب نیست یا مثلاً اگر در یک موردی وجوب نماز جمعه مظنون به ظن غیر معتبر باشد و نماز ظهر محتمل الوجوب باشد در این صورت هم از دید عقل عمل به مظنون الوجوب مقدم است بر عمل به محتمل الوجوب؛ یعنی امتثال ظنی بر امتثال احتمالی مقدم است، عقل همچنین این را هم می‌فهمد که امتثال تفصیلی و امتثال علمی اجمالی بر امتثال ظنی و احتمالی مقدم است چون در امتثال احتمالی صرف احتمال است و در امتثال ظنی هم صرفاً یک ظن غیر معتبر نسبت به تکلیف وجود دارد که وقتی با مواردی که انسان علم به تکلیف دارد یا اماره معتبره‌ای بر تکلیف دارد که در حکم علم تفصیلی است و یا جایی که علم اجمالی به تکلیف دارد و یقین دارد که یکی از این دو فرد متعلق تکلیف واقع شده، مقایسه شود از دید عقل قطعاً علم و یقین یا آنچه که در حکم علم و یقین هستند مثل ظن خاص، بر احتمال و ظن غیر معتبر ترجیح دارند لذا محقق نائینی می‌فرماید: در تقدیم دو مرتبه اول بر دو مرتبه اخیر اشکالی نیست.

لکن کلام در مورد دو مرتبه اولی است که بین خود این دو مرتبه چه نسبتی حاکم است، آیا امتثال تفصیلی به همه مصادیقش؛ یعنی امتثال بر اساس قطع و یقین، امتثال بر اساس ظن خاص و اماره معتبره، امتثال بر اساس یک اصل عملی و حتی امتثال بر اساس ظن مطلق بنا بر کشف نسبت به امتثال علمی اجمالی تقدم دارد یا خیر و آیا این دو مرتبه از امتثال در عرض هم هستند کما ذهب إليه جماعة^۱ یا در طول هم هستند و امتثال تفصیلی مقدم بر امتثال علمی اجمالی است کما ذهب إليه جماعة^۲ آخری؟ هر دو نظریه هم طرفدارانی دارد؛ عده‌ای این دو را در عرض هم می‌دانند و عده‌ای دیگر این دو را در طول هم می‌دانند.

محقق نائینی از کسانی است که قائل به طولیت ترتیب بین این دو مرتبه از امتثال می‌باشد، ایشان می‌گویند امتثال تفصیلی مقدم بر امتثال علمی اجمالی است لکن امتثال علمی اجمالی تارةً با فرض تمکن از امتثال تفصیلی لحاظ می‌شود و اخری بدون تمکن از امتثال تفصیلی که این دو با هم فرق می‌کند؛ مثلاً کسی مجتهد است و قوه استنباط در او حاصل شده و می‌تواند حکم نماز جمعه را استنباط کند لکن این کار را نمی‌کند؛ یعنی علم اجمالی به وجوب یکی از دو نماز ظهر و نماز جمعه دارد و این گونه نیست که احتمال حرمت نماز جمعه را بدهد؛ یعنی مسئله دوران بین محذورین نیست که امر دائر باشد بین وجوب نماز جمعه و حرمت نماز جمعه بلکه یا احتمال وجوب تعیینی نماز جمعه را می‌دهد یا وجوب تخییری، حال می‌خواهیم ببینیم آیا این شخص می‌تواند امتثال علمی اجمالی کند و احتیاط کند؛ یعنی هر دو طرف شبهه را عمل کند و هم نماز ظهر را بخواند و هم نماز جمعه را؟ اینجا تمکن از امتثال تفصیلی دارد و امکان استنباط حکم شرعی را دارد اما این کار را نمی‌کند و می‌خواهد امتثال علمی اجمالی و احتیاط کند، حال سؤال این است که آیا بر فرض تمکن از امتثال تفصیلی، امتثال اجمالی جایز است یا خیر؟ اگر گفتیم این دو در عرض هم هستند در این صورت مجتهد می‌تواند با فرض اینکه قدرت بر استنباط حکم دارد احتیاط کند و به علم اجمالی خود عمل کند و هر دو نماز را بخواند اما اگر گفتیم امتثال تفصیلی مقدم بر امتثال علمی اجمالی است و این دو مرتبه در طول هم هستند در این صورت حق ندارد بین دو نماز جمع کند و هر دو را بخواند بلکه باید تفصیلاً نسبت به حکم، علم پیدا کند و به آن عمل نماید. در مورد مقلد هم بحث از همین قرار است؛ یعنی مقلدی هم که می‌تواند تفصیلاً به حکم شرعی علم پیدا کند و امتثال تفصیلی داشته باشد ولی این کار را نکند در صورتی که امتثال تفصیلی و امتثال اجمالی را در عرض هم بدانیم می‌تواند با فرض تمکن از امتثال تفصیلی به علم اجمالی خود عمل و احتیاط کند ولی اگر رتبه امتثال تفصیلی را مقدم بر امتثال اجمالی بدانیم با فرض تمکن از امتثال تفصیلی نمی‌تواند امتثال اجمالی و احتیاط کند.

اما در صورتی که تمکن از امتثال تفصیلی نباشد چاره‌ای نیست جز اینکه شخص امتثال اجمالی و احتیاط کند؛ مثلاً کسی می‌خواهد نماز بخواند و جهت قبله را نمی‌داند و کسی هم نیست که جهت قبله را از او سؤال کند و هیچ نشانه‌ای هم وجود ندارد که برای کشف قبله به او کمک کند در این صورت چاره‌ای ندارد جز اینکه جمیع اطراف شبهه و علم اجمالی را اتیان کند. پس توجه داشته باشید اینکه بحث می‌شود از نسبت بین امتثال تفصیلی و امتثال علمی اجمالی در فرض تمکن از امتثال تفصیلی است؛ چون اگر تمکن از امتثال تفصیلی نباشد مکلف یک راه بیشتر ندارد که همان امتثال اجمالی و احتیاط است و فرقی هم

بین احکام و موضوعات نمی‌کند؛ یعنی مجتهد هم مثل مقلد در فرض عدم تمکن از امتثال تفصیلی چاره‌ای جز امتثال اجمالی و احتیاط ندارد.

کلام محقق نائینی:

بعضی معتقدند که امتثال تفصیلی و امتثال اجمالی در عرض هم هستند و جمعی هم قائلند این دو در طول هم هستند. محقق نائینی از کسانی است که قائل به تقدیم رتبه امتثال تفصیلی بر امتثال علمی اجمالی با فرض تمکن از امتثال تفصیلی است. حال چون اساس مراتب امتثال در کلمات محقق نائینی آمده است ما کلام ایشان را محور قرار می‌دهیم که ایشان به چه دلیل رتبه امتثال تفصیلی را بر امتثال اجمالی مقدم می‌دارد و بعد از ذکر دلیل ایشان به بررسی کلام ایشان می‌پردازیم که آیا فرمایش ایشان درست است یا خیر؟

ایشان می‌فرماید عقل همان گونه که حاکم به مراتب امتثال است و همان گونه که به تقدیم دو مرتبه اولی بر دو مرتبه آخری حکم می‌کند همچنین حاکم است به اینکه با تمکن از امتثال تفصیلی نوبت به امتثال علمی اجمالی نمی‌رسد و فرقی هم نمی‌کند که امتثال تفصیلی از طریق قطع باشد یا از راه عمل به امارات یا از راه اصل عملی محرز و یا حتی از باب حجیت ظن مطلق بنا بر کشف لذا ایشان معتقد است کسی که بتواند تقلید یا اجتهاد کند اما هر دو را کنار بگذارد و سراغ احتیاط برود عبادتش باطل است؛ یعنی کسی که می‌تواند حکم یک عمل عبادی را از راه اجتهاد بدست آورد یا می‌تواند با مراجعه به یک رساله عملیه حکمی را بدست آورد اگر این دو راه را کنار بگذارد و بخواهد از طریق احتیاط عمل کند عبادت او باطل است، البته ایشان این سخن را در جایی می‌گوید که امتثال اجمالی مستلزم تکرار عمل است.

پس موضوع بحث این است که آیا می‌شود با فرض تمکن از امتثال تفصیلی امتثال اجمالی و احتیاط کرد یا خیر؟ محقق نائینی می‌فرماید این مسئله دو صورت دارد: گاهی امتثال علمی اجمالی یا احتیاط مستلزم تکرار عمل بتمامه می‌باشد و گاهی مستلزم تکرار عمل بتمامه نیست.

در جایی که امتثال علمی اجمالی مستلزم تکرار عمل بتمامه باشد ایشان می‌فرماید قطعاً رتبه امتثال تفصیلی مقدم است. ایشان می‌گوید ما اگر به حقیقت اطاعت توجه کنیم این معنی برای ما روشن می‌شود که چرا امتثال تفصیلی بر امتثال علمی اجمالی مقدم است، به نظر ایشان حقیقت اطاعت در نظر عقل عبارت است از انبعاث از بعث مولی؛ یعنی آنچه که داعی و محرک عبد به سوی عمل است این است که از ناحیه مولی امر به آن عمل متعلق شده و مأمور به منطبق بر آن است، این حقیقت در مورد امتثال تفصیلی محقق است اما در مورد امتثال اجمالی حقیقت اطاعت تحقق پیدا نمی‌کند چون در امتثال علمی اجمالی داعی و محرک عبد برای عمل، امر و بعث مولی نیست بلکه صرف احتمال بعث و تعلق امر است که باعث امتثال می‌شود؛ مثلاً اگر کسی تفصیلاً از راه خبر واحد ثقة فهمیده ظهر جمعه نماز جمعه واجب است داعی و محرک عبد به سمت نماز جمعه بعث مولی است که بعث مولی در قالب خبر واحد ثقة تجلی پیدا کرده اما کسی که علم اجمالی به وجوب نماز ظهر یا نماز جمعه دارد آنچه که محرک او به سمت انجام عمل و رفتن به سوی نماز جمعه و خواندن نماز جمعه و نماز ظهر با هم است احتمال

بعث است؛ یعنی صرفاً احتمال تعلق امر به نماز جمعه را می‌دهد و در زمانی که مکلف به اطراف شبهه اتیان می‌کند؛ یعنی در حالی که نماز ظهر و نماز جمعه را می‌خواند هنوز نمی‌داند عنوان مأموریه بر کدام یک از این دو نماز منطبق است؛ یعنی وقتی نماز جمعه را می‌خواند نمی‌داند که مأموریه نماز جمعه است یا خیر و وقتی هم که نماز ظهر را می‌خواند نمی‌داند مأموریه نماز ظهر است یا خیر؟ پس در واقع در این صورت که امتثال اجمالی و احتیاط کرده اساساً اطاعت و امتثال محقق نشده؛ چون اطاعت از دید عقل عبارت است از انبعاث از بعث مولی در حالی که آنچه که در امتثال اجمالی تحقق پیدا کرده است انبعاث از احتمال بعث است. پس با وجود تمکن از امتثال تفصیلی اصلاً امتثال اجمالی امتثال نیست، بلکه بعد از آنکه مکلف هر دو طرف شبهه را اتیان کرد و هم نماز جمعه و هم نماز ظهر را خواند به تحقق عنوان مأموریه یقین پیدا می‌کند؛ یعنی بعد از اتیان هر دو طرف شبهه یقین پیدا می‌کند مأموریه را انجام داده است و عنوان مأموریه بر یکی از دو عملی که انجام داده منطبق است اما باز هم نمی‌داند کدام طرف است لذا حقیقت اطاعت تحقق ندارد لذا تا زمانی که شخص تمکن از امتثال تفصیلی دارد نمی‌تواند امتثال علمی اجمالی داشته باشد؛ چون امتثال علمی اجمالی در این فرض اصلاً امتثال و اطاعت نیست. اگر انسان خواسته باشد در فرض تمکن از امتثال تفصیلی امتثال اجمالی و احتیاط کند گویا امر دائر است بین اینکه اطاعت بکند یا اطاعت نکند؛ چون اساساً در عبادیات تا قصد امتثال امر نکند امتثال معنی ندارد پس باید قصد امتثال امر بکند تا امتثال تحقق پیدا کند در حالی که در فرض امتثال اجمالی و احتیاط اصلاً قصد امتثال امر ندارد؛ چون اصلاً امر را نمی‌داند و آنچه که هست احتمال امر است پس تا زمانی که تمکن از امتثال تفصیلی باشد نوبت به امتثال علمی اجمالی نمی‌رسد.

این قلت: ممکن است کسی از محقق نائینی سؤال کند که اگر امتثال اجمالی امتثال نیست؛ چون حقیقت اطاعت و امتثال در امتثال اجمالی تحقق ندارد چطور می‌گویید اگر شخص متمکن از امتثال تفصیلی نبود امتثال اجمالی کفایت می‌کند؟

قلت: محقق نائینی می‌فرماید: از دید عقل انبعاث ناشی از احتمال بعث هم یک نحوه‌ای از اطاعت است، یعنی احتمال بعث هم اگر موجب انبعاث شد اتقیاد و یک نحوه‌ای از اطاعت است لذا ما اگر تمکن از امتثال تفصیلی نداشتیم عقل چاره‌ای ندارد جز اینکه بگوید همین اطاعت ناقص هم کفایت می‌کند. پس درست است که ما گفتیم در اطاعت، انبعاث از بعث لازم است اما اگر انبعاث، ناشی از احتمال بعث هم باشد یک مرتبه ضعیفی از اطاعت محسوب می‌شود پس اشکالی ندارد که در موارد عدم تمکن از امتثال تفصیلی قائل به کفایت امتثال اجمالی شویم.

پس خلاصه فرمایش محقق نائینی این شد که تا زمانی که تمکن از امتثال تفصیلی وجود داشته باشد نوبت به امتثال علمی اجمالی نمی‌رسد یعنی این دو در عرض هم نیستند.

بعد ایشان می‌فرمایند: بر فرض که شما دلیل ما بر تقدم امتثال تفصیلی بر امتثال اجمالی را کافی ندانید، راه دیگری وجود دارد و آن اینکه ما شک داریم آیا امتثال اجمالی با تمکن از امتثال تفصیلی جایز است یا خیر؟ اینجا اصل، عدم کفایت امتثال اجمالی در فرض تمکن از امتثال تفصیلی است؛ یعنی مقتضای اصل هم تقدیم رتبه امتثال تفصیلی بر امتثال اجمالی است به این بیان که مورد از موارد دوران بین تعیین و تخییر است و در موارد دوران بین تعیین و تخییر عقل حکم به احتیاط و تعیین می‌کند؛ برای

اینکه اگر امتثال تفصیلی شود قطعاً برائت ذمه حاصل خواهد شد و یقین داریم که اگر امتثال تفصیلی شود ذمه ما مشغول نخواهد بود، پس از یک طرف احتمال تعیین امتثال تفصیلی را می‌دهیم و از طرف دیگر احتمال می‌دهیم امتثال تفصیلی و امتثال اجمالی به نحو تخییری لازم باشد پس از دید عقل یا تعییناً امتثال تفصیلی لازم است و یا امتثال تفصیلی و امتثال اجمالی به نحو تخییری لازم است لذا می‌گویند امر دائر است بین تعیین (تعیین امتثال تفصیلی) و تخییر (تخییر بین امتثال تفصیلی و امتثال اجمالی)، بهر حال اگر مکلف امتثال تفصیلی کند یقیناً ذمه او بری خواهد شد اما اگر امتثال اجمالی و احتیاط کند یقین به فراغ ذمه پیدا نمی‌کند؛ چون احتمال دارد تعییناً امتثال تفصیلی بر او واجب باشد پس در موارد دوران بین تعیین و تخییر عقل حکم به تعیین می‌کند لذا به نظر محقق نائینی اصل مقتضی عدم کفایت امتثال علمی اجمالی است؛ یعنی می‌گوید امتثال تفصیلی بر امتثال اجمالی مقدم است.

محقق نائینی در ادامه می‌فرمایند در صورتی که احتیاط مستلزم تکرار عمل بالجمله نباشد مثل شک بین اقل و اکثر (شک در اینکه نماز با سوره واجب است یا بدون سوره) امتثال علمی اجمالی از امتثال تفصیلی کفایت می‌کند و ازاله شبهه بر مکلف لازم نیست؛ چون یقین به تعلق امر به عمل دارد یعنی یقین دارد اصل نماز مأموریه است و فقط نسبت به جزء مشکوک علم ندارد و نمی‌داند سوره هم مأموریه است یا خیر پس حقیقت اطاعت محقق است و مکلف می‌تواند امتثال اجمالی و احتیاط کند؛ چون در مواردی که امر دائر بین اقل و اکثر است انبعاث او نسبت به این عمل ناشی از بعث مولی است و شارع امر به صلوة کرده و او هم از این امر منبعث شده و اقدام به انجام نماز کرده و فقط در جزئیت سوره شک دارد که احتیاط می‌کند و سوره را هم می‌خواند.

در مواردی هم که امر دائر بین متباینین است و مستلزم تکرار عمل نیست مثل دوران بین جهر و اخفات در نماز ظهر که مکلف بدون اینکه نماز را تکرار کند می‌تواند احتیاط کند؛ یعنی فقط قرائت را تکرار کند و یک مرتبه آهسته و مرتبه دیگر بلند بخواند در این موارد امتثال علمی اجمالی کافی است و ازاله شبهه واجب نیست؛ چون در این صورت هم قصد امتثال تفصیلی محقق می‌شود، در اینجا هم علم به تعلق امر به عمل دارد و فقط در مورد یک جزء مأموریه که جهر است یا اخفات شک دارد که آن هم بدون تکرار عمل یک بار قرائت را آهسته و بار دیگر بلند می‌خواند.

پس به طور کلی نظر محقق نائینی این شد که در مواردی که امتثال اجمالی مستلزم تکرار عمل بالجمله باشد؛ یعنی رأساً عمل باید تکرار شود امتثال علمی اجمالی از امتثال تفصیلی مؤخر است و در مواردی که امتثال علمی اجمالی مستلزم تکرار عمل بالجمله نیست چه در دوران بین اقل و اکثر و چه در دوران بین متباینین امتثال علمی اجمالی از امتثال تفصیلی کفایت می‌کند؛ یعنی در این دو فرض امتثال تفصیلی و امتثال علمی اجمالی در عرض هم هستند.^۱

«والحمد لله رب العالمین»

۱. فوائد الاصول، ج ۳، ص ۷۳ و ۷۴.